

بانوی سردار

۱۰۵۲۸۹۱
۲۱۱۲، ۱۹

نویسنده:

حمزه سردادور

سرشناسه:	سردادور، حمزه، ۱۳۴۹-۱۲۷۵.
عنوان و نام پدیدآور:	بانوی سربدار / نویسنده: حمزه سردادور.
مشخصات نشر:	تهران: نوین، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری:	۴۸۰ ص.
شابک:	978-964-6325-78-4
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا.
موضوع:	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴.
موضوع:	داستان‌های تاریخی
موضوع:	ایران -- تاریخ -- سربداران، ۷۳۶-۷۸۸ ق. -- داستان
رده‌بندی کنگره:	۱۳۸۸ ب۲ ۴۳/ر PIR ۸۰۹۵
رده‌بندی دیوبی:	۸۴۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی:	۱۹۵۸۳۱۴



انتشارات نوین

نام کتاب: بانوی سربدار
نویسنده: حمزه سردادور
حروف چینی و صفحه‌آرایی: منیر علیزاده
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
چاپ: دلارنگ
نوبت چاپ: اول
تاریخ نشر: بهار ۱۳۸۹
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۳۲۵-۷۸-۴
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان
کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است
مرکز پخش: انتشارات پر - خ لبافی‌نژاد بعد از چهارراه کارگر - کوچه جعفرزاده - پلاک ۷
تلفن: ۶۶۵۶۷۳۲۴-۶۶۵۶۹۷۸۶
۰۹۱۲۵۳۰۰۴۶۱

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۵	مقدمه نویسنده.....
۷	یادداشت ویراستار.....
۱۱	۱. مغولان مست.....
۱۹	۲. طوفان آغاز می‌شود.....
۳۱	۳. ایلچی خواجه علاءالدین.....
۳۷	۴. یورش به قافله خواجه علاءالدین.....
۶۵	۵. کاروان جهیزیه عروس.....
۷۵	۶. زنی به نام ماریه.....
۸۵	۷. حکومت سربداران بر سبزووار.....
۱۰۹	۸. مأموریتی برای مسعود.....
۱۲۳	۹. جستجوی بیهوده.....
۱۲۹	۱۰. راز افسردگی آزاده.....
۱۴۳	۱۱. سر قتلغ‌خان.....
۱۵۵	۱۲. یک نقشه ماهرانه.....
۱۹۳	۱۳. راز آزاده فاش می‌شود.....
۲۲۳	۱۴. سرنوشت شوم.....
۲۳۷	۱۵. فتح نیشابور.....
۲۴۳	۱۶. بر سر دو راهی.....
۲۶۹	۱۷. توطئه برای از میان بردن دو رقیب.....
۲۸۳	۱۸. نبرد حماسه آفرین.....
۲۹۵	۱۹. بیمار عشق.....

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۲۰. عیادت‌کننده ناخوانده	۳۰۳
۲۱. شیخ حسن جوری	۳۱۱
۲۲. سه عروسی در یک شب	۳۲۳
۲۳. طعم تلخ شکست	۳۳۱
۲۴. عروس سیاهپوش	۳۴۱
۲۵. توطئه نافرجام	۳۵۱
۲۶. انتقام خون برادر	۳۸۳
۲۷. کفاره گناه	۳۹۵
۲۸. سرانجام امیر مسعود	۴۲۱
۲۹. فاخته در مسند بانوی سربداران	۴۲۷
۳۰. در اعماق چاه	۴۴۳
۳۱. تاریخ تکرار می‌شود	۴۶۱
پایان سخن	۴۷۹

مقدمه نویسنده

در ضمن مطالعه تاریخ پرماجرای ایران، به کسانی برخورددم و از وفایعی آگاه شدم و از لحاظ جنبه قهرمانی نظایر آن‌ها را نه در شاهنامه فردوسی و نه در ایلیاد همر، بلکه در حماسه هیچ قومی نخوانده و نشنیده بودم و دریغم آمد که از این صفحات شورانگیز و پرافتخار و قهرمانی اجدادمان بگذرم. من تمام ایرانیان، خاصه جوانان را از پسر و دختر، به خواندن این داستان تاریخی و قهرمانی دعوت می‌کنم تا بنگرند کشور ما چه قهرمانانی را، از مرد و زن، در دامن خود پرورش داده و چه نیروی سحرآمیز و شکست‌ناپذیری در جسم و جان ایران نهفته است.

حمزه سردادور

یادداشت ویراستار

حمله مغول یکی از بزرگ‌ترین تهاجمات است که اقوام بیگانه طی قرون به ایران کرده‌اند. حمله‌ای که می‌توان آن را بزرگ‌ترین فاجعه برای ملت ایران به حساب آورد که ضمن آن هم دین مقدس اسلام دستخوش دگرگونی گردید و هم همه زمینه‌های فرهنگی و فکری ایرانیان مورد تعرض قرار گرفت.

در این جا، کاری به علت و انگیزه و موجبات این حمله نداریم، ولی آن چه مسلم است این قوم وحشی آن چنان خرابی به بار آورد و کشتار وحشیانه آن‌ها آن چنان رعب و وحشتی در دل ساکنان این سرزمین به وجود آورد که تا سالیان دراز آثار آن باقی بود. ولی:

شکر بی‌حد که ایزد متعال	حافظ مُلک ماست در هر حال
بارها دیده‌ایم بیگانه	آشیان کرده اندر این خانه
بارها اجنبی در این کشور	بود پیک بلا و آیت شر
لیک هر بار لطف ایزد پاک	دفع شر کرده است از این خاک

آری. به یاری خداوند متعال و پایداری دلیر مردان این سرزمین که هیچ‌گاه در طول تاریخ پر فراز و نشیب، پای هم‌شان سست نگشته، و نیز به پایمردی رهبران مذهبی، کم‌کم هسته‌های مقاومت در مقابل این قوم وحشی تشکیل شد و پیشوایان دینی و مذهبی با کمک جوانمردان و آزادگان وطن‌خواه و آزادی طلب قد علم کردند.

مخصوصاً در خطه خراسان که مغولان وحشی بیش از دیگر نقاط ایران خرابی و کشتار کرده بودند، مسلمانان و وطن‌پرستان بر ضد مغولان برپا خاستند و توانستند انتقام

خون کشتگان را از آنان بگیرند.

از سال‌ها قبل از حمله مغول به ایران، مذهب تشیع علوی آیینی مورد قبول عامه مردم ایران بوده است. در دوران امویان و عباسیان طرفداران تشیع مورد اذیت قرار می‌گرفتند و آنان را به اتهام‌های ناروا از قبیل قرمطی، باطنی و اسماعیلی تحت تعقیب و شکنجه و کشتار قرار می‌دادند.

مرکز تبلیغات شیعیان دوازده امامی ابتدا در کوفه بود و از آن جا به قم سرایت کرد. مرکز دیگر فعالیت شیعیان در ماوراءالنهر و خراسان مخصوصاً بیهق (که همان سبزوار است) و مازندران بود. شیعیان ایرانی طی سال‌ها برای حفظ موجودیت خود به مبارزه خو گرفته بودند و همین مبارزات خود زیربنا و نقطه مقاومت سال‌های بعد در برابر بیدادگری‌های مغولان گردید.

مردم طبرستان و دیلمیان نسبت به علویان احترام و علاقه داشتند و به همین دلیل در قرون دوم و سوم هجری که تعقیب علویان از طرف عباسیان شدت گرفت، آنان به سوی ایران می‌شتافتند و مازندرانیان آنان را با آغوش باز می‌پذیرفتند و پناه می‌دادند.

با مروری در تاریخ نهضت تشیع در ایران می‌بینیم که بسیاری رهبران شیعیان دوازده امامی از خطه طبرستان برخاسته‌اند، مانند شیخ طبرسی، ابوجعفر محمدبن ابی‌القاسم آملی، ابونصر طبرسی، ابومنصور طبرسی، فضل‌بن حسن طبرسی، ابن‌شهر آشوب و غیره. نهضت سربداران گرچه در خراسان و سبزوار نضج گرفت ولی رهبر فکری این جنبش در اصل شیخ خلیفه مازندرانی بود که در آمل نزد اساتید و بزرگان شیعه مذهب پرورده شده بود. ذهن پویای او در جستجو و بررسی علت اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی و سیاسی آن عصر و ریشه‌یابی علل مظالم بی‌حد و حصر فرمانروایان و نیز جویای علل فقر مالی و فکری جامعه بود.

سبزوار (بیهق) از قرون نخستین استقرار اسلام یکی از کانون‌های مهم تشیع و محل توجه و پناهگاه فرزندان علی‌بن‌ابی‌طالب بوده است که مورد تعقیب عمال امویان و عباسیان بوده‌اند. شیخ خلیفه با آگاهی از قوت تشیع در سبزوار و ایمان مردم آن سرزمین وارد سبزوار شد. او معتقد بود و خود را موظف می‌دانست که مردم را به مسایل اجتماعی و سیاسی

زمان آگاه گرداند. و آنان را تشویق و ترغیب کند تا بر ضد مستببان اصلی فقر عمومی و انحطاط اقتصادی قیام کنند و با بیرون راندن بیگانگان حکومت عدل و داد برپا سازند. شیخ در مسجد جامع سبزوار منزل گزید و چون حافظ قرآن بود و آن را با صدایی خوش می خواند و سخنان دلنشین و باب دل ستمدیدگان می گفت به زودی مریدان بسیار گرد او فراهم آمدند.

در بین شاگردان، مریدان، معتقدان شیخ خلیفه، شیخ حسن جویری از دیگران شایسته تر و فعال تر بود و به همین دلیل شیخ خلیفه که می دانست مخالفان و فقههای سنی مذهب سرانجام قصد جان او خواهند کرد، پنهانی شیخ حسن جویری را به جانشینی خود برگزید. پیش بینی شیخ خلیفه درست از آب درآمد و یک روز صبح که به مسجد محل اقامت او رفتند شیخ را حلق آویز دیدند.

پس از شهادت دلخراش شیخ خلیفه مازندرانی، شیخ حسن جویری ماندن در سبزوار را مصلحت ندید و ناگزیر به نیشابور رفت و مریدان شیخ خلیفه نیز گرد او جمع شدند. شیخ حسن در نیشابور و ابیورد و خوشان و مشهد مقدس، اهالی بلاد را به طریق شیخ خلیفه دعوت می کرد و هر کس مرید می شد نامش را می نوشت و در خفا سازمانی زیرزمینی ترتیب داد که منتظر اشارت شیخ حسن بودند تا بر ضد حاکمان ظالم مغول قیام کنند. در مدت اندک، خلق بسیار مرید و معتقد او گشتند.



بنابراین ملاحظه می شود که معتقدان مذهب شیعه سازمانی زیرزمینی داشتند و همچون آتش زیر خاکستر منتظر بادی مساعد بودند که خاکستر را به یکسوزند و بر ضد ظالمان مغول قیامی صورت پذیرد.

این باد مساعد از جانب باشتین وزیدن گرفت و از آن جرقه ای برخاست و آتشی برافروخت که دودمان مغول را سوخت و سرانجام نابود کرد.

در قریه باشتین سادات بسیار بودند که نسب به حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام می بردند و از شیعیان متعصب و جان برکف بودند.

واقعۀ باشتین چنین بود که چند تن از ایلچیان و مأموران صاحب دیوان علاءالدین محمد هندو، وزیر خراسان در سال ۷۳۶ هجری برای دریافت مالیات جنسی به باشتین

رفتند و در منزل دو برادر به نام حسن و حسین حمزه، از معتمدان سرشناس باشتین سکنی گزیدند. وقتی پذیرایی شدند و شکمشان سیر شد با سرمستی به حرم این دو جوان غیور چشم طمع دوختند. آن دو مرد غیرتمند، مغولان حیوان صفت را از دم تیغ گذراندند و به میان مردم و دلیران باشتین رفتند و گفتند: مغولان برای انتقام خون ایلچیان حتماً به ما حمله خواهند کرد و اگر موفق شوند به زن و مرد رحم نخواهند کرد.

دلاوران و غیرتمندان باشتین دارهایی تعبیه کردند و گفتند: یا مغولان را به دار مکافات خواهیم آویخت یا خودمان سر به دار خواهیم شد و از همین جا خود را «سربدار» خواندند و طی مبارزات جانانه و بی‌امان سرانجام مغولان را نابود کردند. آری، جنبش عمیق دینی و مردمی سربداران منجر به تشکیل دولت مستقل ملی و شیعه مذهب ایرانی «سربداران» در خراسان غربی گردید که از نظر تاریخی مهم‌ترین جنبش آزادی بخش خاورمیانه در قرن هشتم هجری است.

کتاب «بانوی سربدار» که چاپ دوم آن اکنون از نظر خواننده گرامی می‌گذرد، با قلم شیرین مرحوم حمزه سردادور به رشته تحریر درآمده است. این کتاب «رمان» شیرین و دلچسبی است که از جریان تاریخی سربداران مایه‌هایی دریافت داشته و با طبع توانا و ذهن سازنده مؤلف پرورده شده و داستانی پرجاذبه و خواندنی فراهم آورده است.

البته همان طور که گفته شد این کتاب رمان است و از آن نباید انتظار برداشت تاریخی محض داشت و جنبه تخیلی و افسانه‌ای آن مسلماً می‌چرید ولی با پاره‌ای از وقایع تاریخی آن زمان همخوانی دارد.

ویرایش و پیرایش این چاپ توسط ناشر محترم، به این محلول گردید که امید است چاپ مجدد کتاب که ویراسته و پیراسته شده چاپ اول است موجب شادی روح زنده یاد حمزه سردادور و نیز رضایت خاطر خوانندگان باشد.

کمان اجتماعی جندقی